

وہب زمان

شہید ہادی شجاع

عارفہ مرادی



شهود

وهب زمان

شهید مدافع حرم: هادی شجاع

نویسنده: عارف مرادی

ناشر: انتشارات شهید

ویراستار: زهره علی سکر

مدیر هنری: سیدایمان نوری سبحی

تألیف: ۱۰۰۰ نسخه، نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

قیمت: ۱۰،۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۹۸-۴-۱

چاپ: شرکت پیام آوران نشر روز

رق چاپ و نشر برای انتشارات شهود محفوظ است.

شماره تماس: ۰۹۱۲۵۰۰۹۶۲۲

سرشناسه: مرادی، عارفه، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: وهب زمان: شهید مدافع حرم؛

هادی شجاع/ نویسنده عارفه مرادی.

مشخصات نشر: تهران: شهود، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص:، مصور؛ ۱۷/۵ × ۱۱/۵ س.م.

فروست: مدافعان حرم؛ ۱.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۹۸-۴-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: شهید مدافع حرم؛ هادی شجاع.

موضوع: شجاع، هادی، ۱۳۶۸-۱۳۹۲

موضوع: شهیدان مسلمان -- سوریه -- سرگذشتنامه

Muslim martyrs -- Syria -- Biography موضوع:

موضوع: شهیدان -- سوریه -- سرگذشتنامه

Martyrs -- Syria -- Biography موضوع:

رده بندی کنگره: ۶۶ / ۳۴۲ / ۱۳۹۷ / BP۵۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۱۱۵۵۰

- فهرست -

۱	مقدمه
۱۳	سخن نویسنده
۱۵	خانواده شهید (مادر، پدر، برادر، خواهر و دایی)
۴۱	دوستان هم‌دانشگاهی
۴۹	دوستان بسیجی
۷۳	همکاران و هم‌زمان
۱۰۷	تصاویر

مژده -

بسم رب الشهداء والصدیقین .
گمان مبر آنان که در راه خدا تشنه شده‌اند، مرده‌اند. آنان
زنده‌اند و نزد پروردگارشان متعین‌اند به انعام او...
ای شهید، ای عالی‌اعلا، ای صد پاره پیکر، ای دستگیر روز
جزا! ما می‌دانیم که «شهید» و «شهادت» الفاطمی هستند که
بالاترین مفاهیم ارزش‌های الهی و انسانی را در خود نهفته
دارند و تو به این مفاهیم دست یافته‌ای... و فعل «برای خدا
بودن» را با اهدای جان خود صرف کرده‌ای. جسم و لباس تو از
ناحیه روح آسمانی‌ات کسب شرافت و ارزش کرده‌اند که نیازی
به غسل و کفن نداری...
ای شهیدای مدافع حرم! این روزها هوای شهر، اگرچه آفتابی و
سوزان است، اما دیده‌هایی که قوت قلب و گرمی کاشانه‌شان

بودید بارانی است. ما خاکسار صبر زینبی همسران تان هستیم که در این وادی رنج و بلا هم چنان استوار ایستاده‌اند و آرمان‌های شما را زنده نگاه داشته‌اند. مدیون فرزندان تان هستیم که با قلبی آزرده و زخمی ولی با لبخندهای معصومانه در راه نورانی و خداپسند شما با صلابت گام برمی‌دارند.

آری! این گونه که شما در کیلومترها دورتر از کشورتان، مظلومانه حامی آبروی شیعه شدید شما را مصداق واژه «مدافع حرم» کرد. درودتان باد که عمه سادات بر شما مباهات خواهد کرد. ای کاش شما در کربلا بودید. به یقین اگر شما فرزندان زهرا (س) را بر سر کربلا بودید، گوشواره از گوش می‌کنده نمی‌شد. بدن‌های مطهر آل‌الله فرش سم اسب‌های حرامیان نمی‌شد و مانند آن محترم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به اسارت نمی‌رفتند.

شما مدافعان حرم، به قیامت غیرت‌الله هستید و حافظ ناموس آل‌الله که همان ناموس خداوند است. می‌دانیم اگر هزاران سال برای واقعه کربلا به سینه بکوبیم و مویه بکنیم و بر صورت لطمه بزنیم به اندازه یک قطر، خستتان که نثار حرم شد نخواهد بود. اندازه ما زمینی‌های چسبیده به فرم همین است. بالی نداریم چون شما عرشیان افلاک...

ای شهدای مظلوم! شما از نسل و دنباله همان «آبرودهای خونین شلمچه هستید، همان لب‌های سوخته فکه، تشنه تشنه‌های فرات شهادت. شما رفتید و ما مانده‌ایم. تا تمام شما.

به شما به اندازه تمام نفس‌هایی که می‌کشیم مدیونیم. شما سربازان وطن که جان بالارزش خود را در طبق اخلاص گذاشتید تا ما امروز، با امید و آرامش در شهر قدم بزنیم. هرگز حق تو شهید مدافع حرم را نمی‌توانیم ادا کنیم، هرگز...

عقل‌های محجوب و آیینه‌های قیراندود فطرت بشریت امروز، چگونه خواهد توانست معنای حیات «عند رب» را دریابد؟ حیات عند رب، نقطه پایان معراج بشریت است که به آن جز با شهادت نمی‌توان دست یافت.

این دفتر، قصه حقیقی یکی از همین آدم‌هاست. قصه یکی از آدم‌های امروزی که خیالی نبود. قصه یکی از همین جوان‌هایی که دلش تپید برای پاسخ به ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي». دلش تپید برای یاری حضرت زینب سلام‌الله‌علیها زمانی که از ترس زبیه به گودی قتلگاه می‌نگریست. دلش برای فریاد مظالمیت شعیه تپید. دلش تپید برای شوق پرواز و سفری آخرین و در نهایت دلش برای خدا تپید.



جنگ سوریه چند غریبی است، جنگی سخت و پیچیده، پر از نامردی و نامرستی. این جنگ، نبرد باورهاست. باید اول با خودت کنار آمده باشی که بتوانی از میان این همه شک و شبهه‌ای که شهر و زمانه در دلت می‌افکند، خانه امن و راحت را رها کنی و بروی وسط این میدان سخت. این کتاب، تقدیم به مردانِ مردِ این میدان است.